



Revolution Studies
Volume 3, No. 5, Summer & Spring 2025 (Serial 5)
**Typology and Pattern Transformations of Mass Protests in Iran
after the Revolution (1979 -2022)**

Abolfazl Delavari¹

[Doi: 10.22034/fademo.2025.518753.1112](https://doi.org/10.22034/fademo.2025.518753.1112)

Mohammad Ebrahim Asrari²

Abstract

In the years following the revolution, there have been countless mass protests in Iran. The question is, what changes have occurred in the patterns of mass protests in Iran and what is their future outlook? In this article, using a historical method and longitudinal data analysis, it was shown that most mass protests in the early years of the revolution had political-ideological aspects; In the early 1990s, under the influence of reduced government support for the lower classes, it acquired livelihood aspects; between 1999 and 2009, it focused on removing political restrictions; from 2009 onwards, it targeted the entire political system with a faster tempo and a wider scope. The protests of recent years have been less ideological and lacked specific organization and leadership. The severe repression of the protests in recent years, although it has not prevented their recurrence, has prevented them from coalescing. These characteristics have prevented the protests from being powerful and having a direct impact; however, they have put the established system under severe pressure and, in each of its waves, have reduced its legitimacy and social base. Given the current economic, social, and cultural crises and inadequacies, and the accumulation of dissatisfaction, the grounds and motivations for mass protests remain high, and unless rapid and profound changes occur in domestic and foreign approaches and policies, larger and more intense waves of mass protests will emerge.

Keywords: Mass protests, typology, paradigm shifts, post-revolutionary Iran, future prospects.

1. Associate Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. (Corresponding author) delavari@atu.ac.ir

2. PhD student in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

mebrahim.asrari@gmail.com

Received: 2025/ 04/ 04

Approved: 2025/ 06/ 11

گونه‌شناسی و دگرگونی‌های الگویی اعتراضات جمعی در ایران پس از انقلاب (۱۴۰۱-۱۳۵۷)

ابوالفضل دلاوری^۱

Doi: 10.22034/fademo.2025.518753.1112

محمدابراهیم اسراری^۲

چکیده: در سال‌های پس از انقلاب، اعتراض‌های جمعی بی‌شماری در ایران رخ داده است. سؤال این است که الگوهای اعتراض‌های جمعی در ایران چه تغییراتی یافته و چشم‌انداز آینده آن چیست؟ در این مقاله با روش تاریخی و تحلیل طولی داده‌ها، نشان داده شد که اغلب اعتراض‌های جمعی در سال‌های اولیه انقلاب سویه‌های سیاسی-ایدئولوژیک داشت؛ در اوایل دهه هفتاد تحت تأثیر کاهش حمایت‌های دولتی از طبقات پایین، جنبه‌های معیشتی یافت؛ در فاصله سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ معطوف به رفع محدودیت‌های سیاسی شد؛ از ۱۳۸۸ به این سو، با ضرباهنگ تندتر و گستره وسیع‌تر کلیت نظام سیاسی را هدف قرار داد. اعتراض‌های سال‌های اخیر کمتر ایدئولوژیک و فاقد تشکیلات و رهبری خاصی است. سرکوب شدید اعتراض‌ها در سال‌های اخیر هرچند مانع تکرار آن‌ها نشده است؛ اما از به هم پیوستن آن‌ها جلوگیری کرده است. این ویژگی‌ها مانع قدرتمندی و تأثیر مستقیم اعتراض‌ها شده؛ اما نظام مستقر را تحت فشار شدیدی قرار داده و در هر یک از موج‌های خود، از مشروعیت و پایگاه اجتماعی آن کاسته است. با توجه به بحران‌ها و نارسایی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود و انباشت نارضایتی‌ها، زمینه‌ها و محرک‌های اعتراض‌های جمعی همچنان بالاست و در صورتی که تغییرات سریع و عمیقی در رویکردها و سیاست‌های داخلی و خارجی رخ ندهد خیزش موج‌های بزرگ‌تر و شدیدتر اعتراض‌های جمعی در پیش خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: اعتراض‌های جمعی، گونه‌شناسی، دگرگونی‌های الگویی، ایران پس‌انقلاب، چشم‌انداز آینده.

۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
delavari@atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
mebrahim.asrari@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ تا امروز، اعتراض‌های جمعی پرشماری در ایران رخ داده است. تعدد و تنوع این اعتراض‌ها: از درگیری‌های مسلحانه گروه‌های خودمختاری طلب کرد و بلوچ و عرب در هفته‌های اولیه پس از انقلاب تا ناآرامی‌های روزمره ناشی از رقابت‌های سیاسی و ایدئولوژیک گروه‌های سیاسی در طول دو سال اولیه پس از انقلاب؛ از اعتراض‌های زنان مخالف حجاب اجباری در ماه‌های اولیه پس از انقلاب تا انواع اعتراض‌های صنفی (از سوی کارگران، معلمان و کشاورزان) در طول سال‌های پس از انقلاب؛ از شورش‌های پراکنده حاشیه‌نشینان شهرهای بزرگ در اعتراض به افزایش قیمت‌ها و فقر در اوایل دهه ۱۳۷۰ تا اعتراض‌های سرتاسری در دی‌ماه ۱۳۹۶ و همچنین آبان‌ماه ۱۳۹۸ در اعتراض به افزایش قیمت‌ها و فقر و نابرابری‌های اجتماعی؛ از اعتراض‌های دانشجویی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ تا اعتراض‌های وسیع و دامنه‌دار به نتایج انتخابات سال ۱۳۸۸، از اعتراض‌های پراکنده در واکنش به فروریختن برج متروپل آبادان در خرداد ۱۴۰۱ تا اعتراض‌ها و ناآرامی‌های وسیع و دامنه‌دار چندماهه در واکنش به مرگ مهسا امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد در اواخر شهریور ۱۴۰۱ و البته صدها اعتراض کوچک و بزرگ دیگر در واکنش به مسائل مربوط به معیشت، سکونتگاه، رفاه عمومی، آب، محیط‌زیست و ... این مسئله را پیش روی پژوهشگران و ناظران سیاسی ایران قرار می‌دهد که این اعتراض‌ها را ازلحاظ گونه شناسی چگونه می‌توان طبقه‌بندی کرد؟ گونه‌های مختلف اعتراض‌های جمعی در طول سال‌های بعد از انقلاب چه تحولاتی یافته و این تحولات چه روند و الگوهای را نشان می‌دهد؟ این مقاله می‌کوشد به این سؤالات پاسخ دهد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مربوط به اعتراض‌های جمعی در ایران، غالباً به علل و عوامل این اعتراض‌ها پرداخته‌اند. قبادزاده (۱۳۸۱) به تبیین اعتراض‌های سیاسی در ایران پس از انقلاب از منظر کارکردگرایی پرداخته و تحولات و تعارضات ارزشی در میان بخش‌های مختلف اجتماعی و نیروهای سیاسی را منشأ این اعتراض‌ها می‌داند. آبراهامیان (۱۳۹۰) به نقش افسار تهیدست در اعتراض‌ها می‌پردازد. علیخانی (۱۳۹۱) و جعفری کافی‌آباد (۱۳۹۲) اعتراضی بودن فرهنگ سیاسی ایرانیان را عامل اصلی این اعتراض‌ها می‌داند. جلالی‌پور (۱۳۹۳) به ورود اندیشه‌های مدرن و ایجاد شکاف بین نیروهای اجتماعی تأکید می‌کند. گودرزی (۱۳۹۸)

ناتوانی مستمر نظام سیاسی در پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و عاصی شدن شهروندان، به‌ویژه طبقات پایین را به‌عنوان عامل اصلی اعتراض‌ها می‌شمرد. طباطبایی و دیگران (۱۳۹۵) نقش شبکه‌های ماهواره‌ای را در برانگیختن ناراضی‌ها و دامن زدن به اعتراض‌های سیاسی، به‌ویژه در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار داده‌اند. مجتهدی نجفی (۱۳۹۴) به نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در اعتراض‌ها پرداخته است. مرشدی‌زاد و همکاران (۱۳۹۴) با رویکرد تاریخی به ریشه‌یابی ابزارهای اعتراضی در ایران و مقایسه آن با روسیه پرداخته‌اند. محمدی (۱۳۹۴) با ارائه صورت‌بندی از بحران‌های جمهوری اسلامی ایران به تأثیر این بحران‌ها بر اعتراض‌ها می‌پردازد. اسماعیلی (۱۳۸۹) که به ریشه‌یابی حوادث پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ پرداخته بر نقش تغییرات ارزشی و فرهنگی در جامعه ایران در آن اعتراض‌ها می‌پردازد. زارعی (۱۳۹۵) که به علل فروکش کردن اعتراض‌های انتخاباتی سال ۱۳۸۸ پرداخته، شاخص مشروعیت حکومت، توان کنترل امنیتی، وحدت طبقه حاکم، فقدان ایدئولوژی شاخص و عدم سازمان‌دهی و رهبری معترضان را موجب فروکش کردن آن اعتراض‌ها می‌داند.

پژوهش‌هایی که به مقایسه و گونه‌شناسی اعتراض‌ها پرداخته‌اند بسیار محدودند. از این میان، مرتضوی امامی زواره (۱۳۹۳) اعتراض‌های سیاسی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۲ را با انقلاب‌های رنگی مقایسه و تحلیل کرده است. مدنی (۲۰۲۲) به تفاوت جنبش‌های اعتراضی قدیم و جدید می‌پردازد و بر این نظر است که در جنبش‌های اعتراضی قدیم، معترضان تحقق وضع مطلوب را فقط با انقلاب و دگرگونی سیاسی ممکن می‌دانستند؛ اما در جنبش‌های جدید، معترضان تحقق مطالبات خود را در چهارچوب نظام سیاسی موجود امکان‌پذیر می‌دانند. بیات (۱۳۹۹) اعتراض‌های تهیدستان و حاشیه‌نشینان در ایران بعد از انقلاب را از نوع جنبش‌های پیشروی آرام طبقه‌بندی کرده است. باوجوداین، هنوز پژوهش‌چندانی در مورد سنخ‌شناسی و روند تحولات اعتراض‌های جمعی در ایران پس از انقلاب صورت نگرفته است. این مقاله کوشش خواهد شد این کمبود تا حدی برطرف شود.

۲. مبانی مفهومی پژوهش

تعریف اعتراض‌های جمعی: اعتراض جمعی^۱ به آن دسته از کنش‌های جمعی اطلاق می‌شود که در آن گروه قابل‌ملاحظه‌ای از مردم، نسبت به موضوع و مسئله‌ای که خود را در آن ذینفع

1. Collective Opposition

می‌پندارند - اعم از محلی یا ملی، داخلی یا خارجی - در یک مکان عمومی به شکل‌های مختلف واکنش نشان می‌دهند و خواستار مطالباتی می‌شوند که به سود خود و زیان طرف مقابلشان است (کوهن و دیگران، ۱۳۸۶، صص. ۱۴۷-۱۴۸). این اعتراض‌ها، هرچند لزوماً همگی به‌طور مستقیم به امور سیاسی و دولتی مربوط نمی‌شوند؛ اما چون در عرصه عمومی رخ می‌دهند و در درجات مختلف قواعد موجود را به چالش می‌کشند و گاه نظم عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به‌نحوی ناگزیر پای دولت را نیز به میان می‌کشند (Lofland, 1985).

گونه‌شناسی اعتراض‌های جمعی: جامعه‌شناسان و سیاست‌پژوهان گونه‌شناسی‌های متعدّد و متفاوتی از اعتراض‌های جمعی ارائه کرده‌اند. نیل اسملسر اعتراض‌های جمعی را در قالب مفهوم «رفتار جمعی»^۱ طبقه‌بندی کرده است. او این اعتراض‌ها را به دو نوع فوران‌های جمعی^۲ و جنبش‌های جمعی^۳ تقسیم می‌کند. فوران جمعی معمولاً به‌صورت ناگهانی و در هنگام مواجه شدن جمع با شرایط شدیداً نامطلوب صورت می‌گیرد؛ فاقد برنامه و سازمان و اهداف جمعی مشخص و معمولاً کوتاه‌مدت است. این رفتارها در شکل‌هایی نظیر وحشت جمعی، خصومت جمعی، زدوخوردهای جمعی و تهاجمات و تخریب جمعی ظاهر می‌شوند. جنبش‌های جمعی؛ اما بر مبنای نوعی آگاهی و اراده پیشینی در میان کنشگران استوار است و معمولاً از سازمان، رهبری و اهداف از پیش تعیین شده برخوردارند. جنبش‌ها نه ناگهانی و زودگذر، بلکه تدریجی و بادوام هستند و معمولاً نظم اجتماعی را دگرگون یا بازسازی می‌کنند. این جنبش‌ها گاه معطوف به هنجار و گاه معطوف به ارزش هستند. جنبش معطوف به هنجار تلاشی جمعی برای حفظ، بازسازی و یا خلق هنجارها و قواعد زندگی اجتماعی در چهارچوب نظم اجتماعی و ارزش‌های بنیادین موجود هستند؛ اما جنبش‌های معطوف به ارزش، تلاشی جمعی برای حفظ، بازسازی و یا خلق ارزش‌ها، در تقابل با نظم و ارزش‌های بنیادین حاکم هستند (Smelser, 1962, pp. 313 - 320؛ مشیرزاده، ۱۳۸۱، صص. ۱۰۲ - ۹۷).

چالمرز جانسون اعتراض‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز را از یکدیگر تفکیک می‌کند. او درگیری‌های متعارف اجتماعی و سیاسی را که در چهارچوب یک نظم پذیرفته شده و قوانین حاکم صورت می‌گیرد، نظیر اعتراض‌های صنفی، اعتصاب و ... را در زمره اعتراض‌های مسالمت‌آمیز؛ و اعتراض‌های خارج از نظم موجود یا علیه آن را که شامل

1. Collective Behavior
2. Collective Outburst
3. Collective Movement

طیف وسیعی از مبادله دشنام تا ارتکاب جنایت علیه سایر اعضای جامعه و تا شورش‌های وسیع و جنبش‌های انقلابی را در زمرهٔ اعتراض‌های خشونت‌آمیز می‌شمرد (جانسون، ۱۳۶۳، صص. ۳۰ - ۲۶). جانسون همچنین به تفکیک شورش و انقلاب می‌پردازد. او شورش را نوعی از خشونت سیاسی می‌داند که نه با هدف ایجاد دگرگونی در چهارچوب‌ها، بنیادها و ارزش‌های یک نظم سیاسی و اجتماعی بلکه به منظور تعویض یا نابودی حکام یا گروه‌هایی صورت می‌گیرد که به‌زعم شورشیان از این چهارچوب‌ها و ارزش‌ها تخطی کرده‌اند. درحالی‌که انقلاب بیانگر نوعی از خشونت سیاسی است که کم‌وبیش درصدد دگرگونی چهارچوب‌ها و ارزش‌های بنیادین سیاسی و اجتماعی است، گرچه البته نابودی یا حذف حافظان و حامیان نظم موجود را نیز دنبال می‌کند.

جانسون شورش‌ها را نیز به دو نوع ساده و ایدئولوژیک تقسیم می‌کند. شورش ساده فاقد یک ایدئولوژی است و تنها بر اساس درک مشترک شورشیان از ساخت ارزشی فعلی جامعه و موارد یا مصادیق افرادی که از این ساخت ارزشی تخطی کرده‌اند شکل می‌گیرد. شورش‌های دهقانی نمونه‌ای از این نوع اعتراض‌ها به شمار می‌آیند. در مقابل، شورش‌های ایدئولوژیک با هدف احیای نظمی آرمانی شکل می‌گیرند. او، شورش‌های آنارشیستی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در اروپا - به‌ویژه در روسیه - را از جمله مصادیق این نوع شورش‌ها می‌داند؛ اعتراض‌هایی که واکنشی به تمرکز قدرت حکومتی، تضعیف ارزش‌های اجتماعی و سلطهٔ دولت بر فرد بودند (جانسون، ۱۳۶۳، صص. ۱۳۸-۱۳۶).

جانسون جنبش‌های انقلابی را هم به دو نوع ساده و کامل تقسیم می‌کند که اولی، تحولات محدودی نظیر توزیع منابع اقتصادی یا حیثیتی را دنبال می‌کند و به ساختارهای سیاسی، باورهای دینی و سلسله‌مراتب اجتماعی تعرضی ندارد، اما دومی، دگرگونی تمامی ساختار ارزشی جامعه و نحوهٔ تقسیم کار اجتماعی را دنبال می‌کند (جانسون، ۱۳۶۳، صص. ۱۴۰-۱۳۸).

به‌طور کلی جانسون اعتراض‌های جمعی را بر اساس گستره، شدت و تغییراتی که ایجاد می‌کند به شش نوع: شورش‌های روستایی، شورش‌های آرمان‌گرایانه (یا منجی طلبانه) شورش‌های آنارشیستی، توطئه‌ها (نظیر کودتاها)، انقلاب‌های ژاکوبینی (کمونیستی) و انقلاب‌های توده‌ای تقسیم می‌کند (Johnson, 1964, pp. 27-34).

تد رابرت گر^۱ بر اساس سه معیار «دامنه خشونت»، «شدت خشونت» و «دوره زمانی خشونت»

سه نوع منازعات خشونت آمیز را از یکدیگر تفکیک می‌کند: آشوب^۱؛ توطئه^۲ و جنگ داخلی^۳. «آشوب» در شکل اعتصابات، تظاهرات و یا شورش‌های معترضانه ظاهر می‌شود گرچه ممکن است از دامنه و شدت خشونت بالایی برخوردار باشد؛ اما اولاً سازمان‌دهی آن کم و دوره زمانی آن‌ها نیز کوتاه است. «توطئه» در شکل کودتا و یا عملیات تروریستی و خرابکارانه ظاهر می‌شود و معمولاً از سازمان‌دهی بالا و شدت خشونت زیادی برخوردار است؛ اما دامنه خشونت آن محدود و دوره زمانی آن نیز کوتاه است. جنگ داخلی که در شکل جنگ‌های چریکی و پارتیزانی علیه حکومت مستقر و یا انقلاب‌های توده‌ای ظاهر می‌شود، هم سازمان‌دهی بالایی دارد و هم دامنه و شدت خشونت آن زیاد است و دوره زمانی‌اش معمولاً طولانی است (Gurr, 1994 و گر، ۱۳۷۷، صص. ۴۲-۳۴).

چارلز تیلی^۴ اعتراض‌های سیاسی را بر اساس نوع گروه‌های شرکت‌کننده و نوع کنش آن‌ها طبقه‌بندی می‌کند. تیلی گروه‌های سیاسی را به دو دسته هیأت حاکمه^۵ و معارض حکومت^۶ تقسیم می‌کند. هر یک از این گروه‌ها ممکن است از نوع «جماعتی»^۷ یا از نوع «انجمنی»^۸ باشند. گروه‌های جماعتی دارای خصلتی محلی، فاقد تشکیلات پایدار و منسجم و ناتوان از انجام عملیات هماهنگ در درازمدت هستند اما گروه‌های انجمنی از تشکیلاتی پایدار و پیچیده و از توانایی برنامه‌ریزی و عمل هماهنگ درازمدت برخوردارند (Tilly, 1978, pp. 52-84).

چارلز تیلی، کنش‌های جمعی سیاسی را به سه دسته «رقابتی»^۹، «تدافعی»^{۱۰} و «تهاجمی»^{۱۱} تقسیم می‌کند و بر این اساس، اعتراض‌ها و منازعات سیاسی را به شرح زیر دسته‌بندی می‌نماید (الف) منازعات رقابتی: اگر گروه‌های بیرون از هیأت حاکمه از نوع جماعتی باشند و به کنش‌های رقابتی روی آورند، منازعات آن‌ها با حکومت معمولاً به صورت تجمعات

1. Turmoil
2. Conspiracy
3. Internal War
4. Ch. Tilly
5. Polity
6. Challengers
7. Communal
8. Associational
9. Competitive
10. Reactive
11. Proactive

اعتراضی و خودجوش و غیر سازمان‌یافته و گاه زدوخورد‌های خشونت‌آمیز بروز می‌کند اما در صورتی که این گروه‌ها از نوع انجمنی باشند رقابت آن‌ها با حکومت معمولاً به صورت اقدامات سازمان‌یافته به منظور نفوذ در حکومت و یا فشار بر آن و گاه به صورت گردهمایی‌ها و راهپیمایی‌های سازمان‌یافته ظاهر می‌شود.

ب) منازعات تدافعی: اگر گروه‌های درون هیأت حاکمه از نوع جماعتی باشند و موقعیت و منابع آن‌ها از سوی دیگر گروه‌ها تهدید شود اقدامات تدافعی آن‌ها از نوع انفعالی خواهد بود که به شکل‌هایی نظیر ابراز ترس و هراس و یا پرخاش نسبت به گروه‌های معارض و گاه نسبت به کل محیط و حتی نسبت به اطرافیان و حامیان خودشان ظاهر می‌شود اما اگر این گروه‌ها از نوع انجمنی باشند اقدامات تدافعی آن‌ها به صورت عملیات سازمان‌یافته چه مسالمت‌آمیز (نظیر اقدامات تبلیغاتی) و چه خشونت‌آمیز (نظیر توطئه علیه سازمان معارضان و انجام کودتای درباری) خواهد بود.

ج) منازعات تهاجمی: اگر گروه‌های بیرون از حاکمیت از نوع جماعتی باشند و قصد تصرف حکومت را داشته باشند، اقدامات جمعی آن‌ها در شکل جنبش‌های احیاگرایانه یا هزاره‌گرایانه خواهد بود که غالباً نیز به خشونت گرایش خواهند داشت؛ اما اگر این گروه‌ها از نوع انجمنی باشند، اقدامات جمعی آن‌ها به منظور تصرف حکومت در شکل جنبش‌های انقلابی، جنگ داخلی و کودتای نظامی ظاهر می‌شوند (Tilly, 1978, pp. 143-171). تیلی آن رده از اعتراض‌های سیاسی را انقلاب می‌نامد که یک گروه یا ائتلافی از گروه‌های انقلابی نه تنها مقبولیت و مشروعیت حکومت موجود را زیر سؤال می‌برد و موجودیت آن را مورد حمله قرار می‌دهد بلکه موفق می‌شود بخشی یا تمامی منابع قدرت سیاسی را از کنترل رژیم پیشین خارج کنند و تحت کنترل خود درآورد (Tilly 1978, pp. 189-194).

استیون و ویگو چهار نوع جنبش اعتراضی را از یکدیگر متمایز می‌سازند: نخست، جنبش‌های انقلابی که اعضای آن عمیقاً نسبت به نظم اجتماعی موجود معترض بوده و به دنبال تغییرات بنیادی متناسب با ایدئولوژی خود هستند. دوم، جنبش‌های ارتجاعی، نظیر جنبش‌های هزاره‌گرا که معترضان با تغییراتی که رخ داده یا در حال رخ دادن است مخالف‌اند و خواهان بازگشت به «وضعیت خوب گذشته» هستند. سوم، جنبش‌های اصلاحی، نظیر جنبش‌های زیست‌محیطی یا ضد تبعیض جنسیتی یا نژادی که معترضان از کلیت نظم موجود رضایت دارند؛ اما برخی اصلاحات را در برخی حوزه‌ها ضروری می‌دانند. این جنبش‌ها معمولاً در

چهارچوب نظام‌مند و از طریق فرایندهای قانونی عمل می‌کنند. چهارم، جنبش‌های اظهاری که معترضان در پی تعدیل ارزش‌ها، ایستارها و رفتارهایی هستند که بدان وسیله بهتر بتوانند با جهان بیرونی کنار بیایند. این جنبش‌ها ماهیت فرهنگی و مدنی دارند و کمتر به حوزه سیاست وارد می‌شوند (اسملسر، ۱۳۸۰، مقدمه).

لوتر گرلاک و ویرجینیا هاین جنبش‌ها را از لحاظ پیوستگی و انسجام، به دو نوع متمرکز و پاره‌پاره؛ از لحاظ الگوی بسیج و عضوگیری، به دو نوع سازمان‌یافته و مبتنی بر روابط شخصی؛ از لحاظ الگوی وفاداری، به دو نوع ایدئولوژیک و شخصی و از لحاظ رهبری به دو نوع یکسر و چند سر تقسیم می‌کنند (اسملسر، ۱۳۸۰، مقدمه).

تورن و آلبرتو ملوچی جنبش‌های اجتماعی جدید را از جنبش‌های کلاسیک و قدیم تفکیک می‌کنند. آن‌ها جنبش‌های اجتماعی جدید را دارای ساختارهای قطعه‌قطعه، مشبک، چند سر و دارای شبکه ارتباطات و مبادله معرفی می‌کنند و آن‌ها را معطوف به ارزش‌های فرامادی می‌دانند. همچنین این جنبش‌ها را به دو گونه انباشتی و برساختی تقسیم می‌کنند. آن‌ها جنبش‌های انباشتی را حاصل همسو شدن افراد دارای منافع همسان و عمل کردن آن‌ها در قالب ساختارها و رویه‌های از قبل موجود می‌دانند اما جنبش‌های برساختی را به معنای تلاش کنشگران جنبش برای دگرگونی ساختارها و رویه‌های موجود و شکل دادن به شیوه‌ها و الگوهای جدیدی برای زندگی و رفتار معرفی می‌کنند (کوهن و همکاران، ۱۳۸۶، صص. ۱۵۹، ۱۶۷ - ۱۶۶).

جدول مفهومی (گونه‌شناسی) پژوهش: براساس ادبیات موجود و مباحث بالا، می‌توان جدول مفهومی زیر را که شامل مؤلفه‌ها و گونه‌های اعتراض‌های جمعی است، به عنوان چهارچوب و راهنمای پژوهش مطرح کرد:

رویدادهای برانگیزنده	تحولات، چالش‌ها و رویداد برانگیزنده
زمینه‌ها و انگیزه‌های اعتراض	موضوع اعتراض معیشتی / صنفی / فرهنگی / سیاسی / عقیدتی - ایدئولوژیک
	اهداف و مطالبات معترضان عینی / استعلایی، عام (تغییرات فراگیر و بنیادین) / خاص (تغییر در رویه‌ها / سیاست‌ها / قوانین و ...)
جمله‌های عینی اعتراض	ترکیب اجتماعی معترضان تهیدستان / کارگران / زنان / دانشجویان / جوانان / اصناف / ترکیبی / همگانی
	گستره اعتراض محلی / ناحیه‌ای / شهرهای بزرگ / سرتاسری
	دوره زمانی اعتراض زودگذر / کم‌دوام / نسبتاً بادوام / طولانی
سازمان‌دهی و رهبری اعتراض	نوع همبستگی معترضان محلی / طایفه‌ای / فرقه‌ای / ایدئولوژیک / توده‌ای / تشکیلاتی (مدنی یا سیاسی)
	سازمان اعتراض سازمان یافته / بی سازمان / متمرکز / پاره پاره
	رهبری اعتراض تک رهبری / چند رهبری / فاقد رهبری
	ابزارهای بسیج و اطلاع‌رسانی معترضان شبکه‌های روابط شخصی / روابط تشکیلاتی / شبکه‌های ارتباطی مجازی / رسانه‌های جمعی (راديو، تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای)
	نوع بازنمایی اعتراض شورشی / مطالبه‌گرا نه / مقاومتی / جنبشی
فیزیولوژی اعتراض	قالب‌های بروز و ظهور اعتراض تجمعات پراکنده / میتینگ / راهپیمایی متمرکز / اعتصاب / تحصن / مقاومت مدنی / اشغال یا تخریب مراکز و تأسیسات / ایجاد قلمرو مستقل
	شیوه اعتراض مسالمت‌آمیز / خشونت‌آمیز / در چهارچوب قوانین / خارج از چهارچوب قوانین

محافظة/ عدم برخورد ممانعت مسالمت آمیز/ سرکوب نسبی/ سرکوب شدید	برخورد حکومت با اعتراض	واکنش‌ها به اعتراض‌ها
ابراز نارضایتی از معترضان/ بی توجهی/ تماشاگری/ حمایت	برخورد دیگر گروه‌های اجتماعی با معترضان	
دیاسپورا/ دولت‌ها/ سازمان‌های بین‌المللی/ جامعه مدنی جهانی	مواجهه نیروهای برون‌مرزی	
کاملاً موفق/ تا حدودی موفق/ تا حدودی شکست خورده/ کاملاً شکست خورده	چگونگی پایان یافتن اعتراض	فرجام اعتراض‌ها
مستقیم/ غیرمستقیم	تأثیرات اعتراض	
احساس موفقیت/ احساس شکست/ سرخوردگی/ تمایل به ازسرگیری	برداشت و احساس معترضان	

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی و گونه‌شناسانه و روش آن نیز تاریخی است. برای پاسخ به سؤال پژوهش، نخست مهم‌ترین اعتراض‌های جمعی در دوره ۴۵ ساله پس از انقلاب (۱۳۵۷ تا ۱۴۰۲) که کم‌وبیش بازتاب رسانه‌ای داشته‌اند، شناسایی و ویژگی‌های آن‌ها بر اساس جدول مفهومی توصیف خواهد شد. سپس این اعتراض‌ها با توجه به برهه‌های زمانی و همچنین مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوطه دسته‌بندی و مقایسه خواهند شد. سرانجام، روند تغییرات آن‌ها استخراج و تحولات الگویی احتمالی در آن‌ها شناسایی و معرفی خواهد شد. روش گردآوری داده‌های پژوهش اسنادی است و داده‌های موردنیاز از لابلای اسناد و مدارک موجود در کتابخانه‌ها و آرشیوهای روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها جمع‌آوری خواهد شد. در مواردی نیز از مشاهدات مستقیم پژوهشگر، یا مصاحبه با فعالان و ناظران اعتراض‌ها استفاده خواهد شد. در طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها از روش در زمانی (طولی) استفاده خواهد شد و ویژگی‌ها و تحولات حول محور هفت مؤلفه مقایسه و تحلیل خواهند شد: ۱. زمینه و محرک اعتراض‌ها؛ ۲. خاستگاه و پایگاه اجتماعی اعتراض‌ها؛ ۳. موضوع و اهداف اعتراض‌ها؛ ۴. دامنه و دوام اعتراض‌ها؛ ۵. شیوه سازمان‌دهی و رهبری اعتراض‌ها؛ ۶. شدت و خشونت اعتراض‌ها؛ ۷. آثار و پیامدهای اعتراض‌ها.

۴. یافته‌های پژوهش

اعتراض‌های جمعی در ایران پس از انقلاب را می‌توان بر اساس فضای سیاسی حاکم به پنج دوره زیر تقسیم کرد:

- دوره اول از سقوط رژیم پیشین در زمستان ۱۳۵۷ تا زمستان ۱۳۶۲ را شامل می‌شود. در این دوره فضای انقلابی و بی‌ثباتی شدید سیاسی بر کشور حاکم بود و نظام جدید هنوز تحکیم و تثبیت نشده بود.

- دوره دوم از اواخر سال ۱۳۶۲ تا اواخر سال ۱۳۷۰ را شامل می‌شود. در این دوره کشور از ثبات سیاسی نسبتاً بالایی برخوردار است. این ثبات علاوه بر شرایط جنگی ناشی از همگرایی و انسجام نسبی گروه‌های حاکم بود.

- دوره سوم از ابتدای سال ۱۳۷۱ تا پایان سال ۱۳۸۰ را شامل می‌شود. در این دوره به علت ورود نیروهای جدید به عرصه اجتماعی و سیاسی در اثر تحولات اجتماعی و اقتصادی بعد از جنگ و تشدید صف‌بندی‌های سیاسی در درون حکومت، شاهد بروز و ظهور گونه‌های مختلف و متعددی از اعتراض‌ها هستیم که البته همگی در چهارچوب نظام مستقر هستند.

- دوره چهارم از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ را در برمی‌گیرد. در این دوره در کنار اعتراض‌های متعارف در چهارچوب نظام مستقر، به تدریج شاهد بروز و ظهور اعتراض‌های رادیکالی هستیم که ترتیبات نهادی و سیاسی موجود را به سؤال می‌کشد.

- سرانجام دوره پنجم که از ۱۳۹۱ به این سو را در برمی‌گیرد. در این دوره با تشدید مشکلات و بحران‌های اقتصادی و سیاسی به همراه تشدید برخی فشارهای اجتماعی و فرهنگی، علاوه بر افزایش اعتراض‌های معیشتی و صنفی، شاهد سیاسی‌تر شدن این اعتراض‌ها و وقوع زنجیره‌ای از اعتراض‌های رادیکال و خشونت‌بار علیه نظم سیاسی موجود هستیم. همچنین در این دوره، شاهد ظهور الگویی از اعتراض‌ها در قالب مقاومت منفی در برابر سبک زندگی رسمی و بروز سبک‌های جدید زندگی از سوی زنان و جوانان هستیم.

در ادامه مقاله مهم‌ترین اعتراض‌ها هر یک از این پنج دوره را به اختصار شرح می‌دهیم و در قالب جدول مختصات خلاصه می‌کنیم.

۴-۱. دوره اول: از منازعات سیاسی-ایدئولوژیک تا تحریکات تهیدستان شهری

این دوره که از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب تا پایان سال ۱۳۶۲ را دربر می‌گیرد به دلیل شرایط انقلابی و حضور همه نیروهای اجتماعی در عرصه سیاست، اعتراض‌های بیشمار و متنوعی رخ داد که از درگیری‌های مسلحانه بر سر بنیادهای نظم جدید تا تحریکات نظامی و

سیاسی خودمختاری طلبانه در استان‌های حاشیه‌ای و از اعتراض‌های سیاسی و ایدئولوژیک در مراکز شهری، به‌ویژه دانشگاه‌ها تا شورش‌های محلی و اعتصابات صنفی را شامل می‌شد. از همان نخستین روزها و هفته‌های بعد از سقوط رژیم پیشین شورش‌های مسلحانه به رهبری گروه‌های چپ در کردستان و ترکمن صحرا آغاز شد و حداقل تا یک سال بعد ادامه یافت.

شورش مسلحانه در گنبد کاووس: در روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ گروهی از نیروهای محلی وابسته به سازمان چریک‌های فدایی خلق به شهربانی گنبد حمله و آن را خلع سلاح کردند و با تشکیل ستاد «خلق ترکمن» در صدد توزیع زمین‌های کشاورزی که تا قبل از انقلاب در دست سرمایه‌داران بزرگ بود برآمدند. این اقدام با عکس‌العمل نیروهای حکومتی گنبد که عمدتاً از کمیته‌های انقلابی بودند مواجه شد. در ۱۹ اسفند چریک‌ها در بیانیه‌ای به حمایت از خودمختاری منطقه (ترکمن صحرا) برخاستند و با نیروهای کمیته درگیر شدند. در ۵ فروردین ۱۳۵۸ نیروهای مسلح وابسته به فداییان خلق کنترل شهر گنبد را در دست گرفتند و در اثر درگیری‌های مربوطه دست کم ۱۶ نفر کشته و بین ۴۰ تا ۶۰ نفر مجروح شدند. زدوخوردهای پراکنده در گنبد تا بهمن ۱۳۵۸ ادامه داشت. در ۱۹ بهمن به دنبال یک عملیات گسترده نظامی از سوی ارتش و سپاه و نیروهای محلی طرفدار حکومت مرکزی، به مراکز و تأسیسات تحت کنترل نیروهای چپ‌گرا حمله کردند و پس از چند روز کنترل کامل شهر را در دست گرفتند. تعدادی از چپ‌گرایان کشته شدند و رهبران آن‌ها اعدام شدند (مراسان، ش ۴۵۵۹).

جنگ مسلحانه در کردستان: حزب دموکرات کردستان در ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ به مراکز نظامی و دولتی حمله کرد و کنترل بسیاری از شهرهای کردنشین را به دست گرفت و اعلام خودمختاری کرد. در ۳۰ بهمن ماه هیأتی از سوی دولت موقت برای مذاکره با رهبران این حزب عازم مهاباد شد؛ اما به‌رغم وعده دولت موقت برای تخصیص بودجه‌های خاص برای توسعه و عمران منطقه و اجرای مواردی از این وعده‌ها، توافقی حاصل نشد و تسلط معارضان بر منطقه همراه با درگیری‌های مستمر با نیروهای حکومتی ادامه یافت. در اواخر مرداد ۱۳۵۸ با حملات سنگین ارتش و سپاه پاسداران پادگان‌ها و تأسیسات دولتی از کنترل احزاب کرد خارج شد و معارضان به کوهستان‌ها و مناطق هم‌جوار گریختند و تا چند سال بعد به حملات پراکنده خود به نیروهای حکومتی ادامه دادند (مراسان، ش ۴۵۸۸).

اعتراض‌های زنان به حجاب اجباری: در ۱۷ بهمن ۱۳۵۸ (۸ مارس و روز جهانی زن) در تهران هزاران زن به خیابان‌ها آمدند و به دستور حجاب اجباری برای کارمندان زن که به تازگی از طرف رهبر انقلاب اعلام شده بود (روزنامه اطلاعات، ۱۶ اسفند ۱۳۵۷) اعتراض کردند. زنان

معتراض مورد حمله نیروهای طرفدار حکومت که خود را حزب الله می نامیدند، قرار گرفتند. این اعتراض ها تا یک هفته ادامه داشت تا اینکه طالقانی در مصاحبه با روزنامه اطلاعات گفت: «در مورد حجاب ... اجباری در کار نیست»؛ و به این ترتیب، اعتراض ها فروکش کرد.

اعتراض های کارگران و تهیدستان شهری: توسعه اقتصادی و صنعتی به همراه مهاجرت های وسیعی که به ویژه طی دو دهه قبل از انقلاب از روستاها به سوی شهرهای بزرگ صورت گرفته بود بافت اجتماعی این شهرها را به شدت تغییر داده بود. از جمله اینکه بر جمعیت کارگران شهری و همچنین دیگر اقشار تهیدست شهری، نظیر بیکاران و حاشیه نشینان شهری افزوده بود. هم اینان بودند که در هفته های آخر جنبش انقلابی به این جنبش پیوسته بودند. شعارها و ایدئولوژی های عمدتاً چپ گرایانه حاکم بر فضای انقلابی نیز عمدتاً بر ضرورت بهبود وضع کارگران و دیگر اقشار محروم تأکید می کردند. به این ترتیب، در یکی دو سال اول پس از انقلاب شاهد طیف وسیعی از تحركات و مطالبات و اعتراض ها از سوی کارگران و دیگر اقشار محروم شهری هستیم. کارگران معمولاً دارای تشکل بودند و غالباً با گروه های سیاسی چپ گرا ارتباط داشتند. اعتصابات متعدد کارگری یکی از چالش های اصلی دولت نوپای پس از انقلاب بود. دیگر اقشار تهیدست نیز هر یک به شیوه ای در صدد طرح مطالبات و تأمین نیازهای معیشتی و اساسی خود از راه های خارج از بروکراسی اداری اقدام می کردند. اشغال ساختمان های نیمه کاره و هتل ها و مبادرت به ساخت وسازهای غیرمجاز در حواشی شهرهای بزرگ از جمله این اقدامات بود. محرومان شهری همچنین با اشغال فضاهای عمومی و پیاده روها برای راه انداختن مشاغل خرده فروشی و دست فروشی در مقیاس هایی وسیع و فزاینده دست زدند. این اقدامات که گاه و بیگاه از سوی مأموران شهرداری یا انتظامی علیه این اقدامات صورت می گرفت زمینه ساز انواع اعتراض ها و شورش های پراکنده و روزمره از سوی این اقشار بود (بیات، ۱۳۹۹).

اعتراض های سیاسی-ایدئولوژیک: صرف نظر از مناقشات و جدال های خیابانی و رسانه ای وسیعی که طی نخستین ماه های پس از پیروزی انقلاب در مورد نوع نظام سیاسی جدید در جریان بود، پس از تدوین قانون اساسی و گنجانده شدن اصل ولایت فقیه در این قانون، اعتراض های متعددی از سوی نیروهای مختلف سیاسی آغاز شد. مهم ترین این اعتراض ها در آذر ۱۳۵۸، هنگام برگزاری رفراندوم قانون اساسی از سوی طرفداران شریعتمداری به ویژه در شهرهای آذربایجان به راه افتاد. طرفداران شریعتمداری از مدتی پیش با تأسیس حزب جمهوری خلق مسلمان، وارد رقابت با حزب جمهوری اسلامی شدند؛ حزبی که از سوی

طرفداران امام خمینی تشکیل شده بود. نیروهای این حزب در آذر ۱۳۵۸ ساختمان رادیو و تلویزیون تبریز را اشغال کردند. آن‌ها همچنین رفراندوم قانون اساسی را تحریم کردند (روزنامه اطلاعات، ۲۰ آذر ۱۳۵۸). این اتفاقات موجب درگیری‌های شدید و خشونت‌باری میان طرفین شد. به دنبال آن شریعتمداری تحت نظر قرار گرفت و این اعتراض هم به پایان رسید.

۲-۴. دوره دوم اعتراض‌های اجتماعی: استیلاي اسلام سياسي، بسیج مردمی برای جنگ

در این دوره که از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ را شامل می‌شود جز معدودی اعتراض‌های صنفی که در چهارچوب مناسبات کار و در محیط‌های کارگری به صورت اعتصاب یا معدودی اعتراض‌های تهیدستان شهری در جریان برخورد نیروهای شهرداری‌ها با تصرف زمین و ساخت‌وسازهای غیر قانونی در حاشیه شهرهای بزرگ، اعتراض‌های جمعی قابل توجهی رخ نداد (بیات، ۱۳۹۹، بخش پنجم).

۳-۴. دوره سوم: از فعال شدن شکاف‌های مرکز - پیرامون تا بازاندیشی در ایدئولوژی رسمی

با استقرار دولت هاشمی رفسنجانی و اتخاذ سیاست آزادسازی اقتصادی، حمایت از اقشار تهیدست و محروم و چشم‌پوشی از اقدامات فراقانونی آن‌ها تا حدود زیادی کنار گذاشته شد. آزادسازی بسیاری از قیمت‌ها و تورم شدید این اقشار را در تنگناهای معیشتی قرار داد. این امر زمینه‌ساز بروز یک سلسله اعتراض‌های خونین در مناطق حاشیه‌ای می‌شود. به این ترتیب، فرودستان انقلابی به فرودستان ستیزه‌جو تبدیل می‌شوند. در این دوره همچنین اعتراض‌هایی در رابطه با مسائل قومی و محلی و تقسیمات کشوری روی می‌دهد. اولین اعتراض این دوره در مرداد سال ۱۳۷۰ در باقرشهر تهران اتفاق می‌افتد، پس از آن در اسفند ۱۳۷۰ اعتراض جانبازان دوران جنگ و همراهی طبقات محروم در شیراز به آشوب و اغتشاش انجامید. در اردیبهشت ۱۳۷۱ نیز شهر اراک به مدت دو روز درگیر اغتشاش و ناآرامی شد؛ اما گسترده‌ترین و شدیدترین این اعتراض‌ها در اردیبهشت سال ۱۳۷۱ در محلات پایین شهر مشهد اتفاق افتاد. در اوایل اردیبهشت مأموران انتظامی برای حمایت از بولدوزرهای شهرداری مشهد که برای تخریب ساخت‌وسازهای غیر قانونی در محله حاشیه‌ای موسوم به کوی طلاب آمده بودند و با مقاومت و اعتراض ساکنان محله مواجه شده بودند به یک دانش‌آموز شلیک کردند و این آغاز ناآرامی‌های کم‌سابقه‌ای شد. تعداد زیادی از مردمی که در محل حادثه تجمع کرده بودند با نیروی انتظامی و نیروهای شهرداری درگیر شده و ضمن تخریب و آتش زدن اماکن عمومی و برخی ادارات و بانک‌ها مثل ساختمان‌های بانک صادرات و اداره دارایی به

سمت خیابان‌های مرکزی مشهد حرکت کردند و در مسیر خود چند کلانتری را خلع سلاح کردند. اوج این ناآرامی‌ها در خیابان ارگ مشهد (امام خمینی) به وقوع پیوست که در طی آن چندین مؤسسه وابسته به آستان قدس رضوی به آتش کشیده شد. ساختمان شهرداری نیز مورد حملات معترضان قرار گرفت. این اعتراض‌ها از سوی نیروهای انتظامی و بسیجی به شدت سرکوب شد. تعدادی از معترضان در جریان درگیری‌ها کشته شدند و برای تعداد دیگری از معترضان نیز حکم اعدام صادر شد... بعدها گفته می‌شد که به دنبال این اعتراض‌ها بود که از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی نیروهای ویژه‌ای برای مواجهه با اعتراض‌های شهری تشکیل شد. تشکیل گردان‌های عاشورا و الزهرای بسیج نمونه‌هایی از این نیروها بودند (بیات، ۱۳۹۹، صص. ۱۹۹-۱۹۷).

سه سال پس از شورش مشهد، در مناطق حاشیه‌ای تهران اعتراض‌ها و شورش‌هایی رخ داد. در اواسط فروردین ۱۳۷۴ در اسلامشهر و شاطره اعتراض‌های شدید و وسیعی در واکنش به افزایش کرایه وسایل نقلیه رخ داد... معترضان خیابان‌ها را تسخیر کردند و لاستیک خودروها را به نشانه اعتراض آتش زدند. آن‌ها جاده ساوه به سمت چهاردانگه را مسدود کردند. به دلیل نزدیکی محل اعتراض‌ها به تهران، نیروهای امنیتی و انتظامی به سرعت وارد عمل شدند و سرکوب معترضان را آغاز کردند. گفته می‌شود «یگان ویژه» برای اولین بار در یک عملیات جدی علیه معترضان در اسلامشهر وارد عمل شد. در گزارشی از خبرگزاری رویترز می‌خوانیم که «از ساعت ۸ شب» اسلامشهر به منطقه جنگی بدل شده بود. برخلاف مشهد، سرکوب شهروندان اسلامشهر دشوارتر بود و دست کم ۴ روز به طول انجامید. سازمان عفو بین‌الملل ماه‌ها پس از این شورش گفت که ده نفر در جریان اعتراض‌ها جان باختند. دولت فقط قربانی شدن یک نفر را به گردن گرفت (خبرگزاری رویترز، ۴ آوریل ۱۹۹۵، روزنامه اطلاعات، فروردین ۷۴).

در نیمه دوم دهه هفتاد و به‌ویژه بعد از رویداد خرداد ۱۳۷۶ و روی کار آمدن اصلاح‌طلبان که با بازتر شدن فضای سیاسی و رسانه‌ای همراه بود زمینه برای بروز اعتراض‌های سیاسی فراهم شد. نخستین این اعتراض‌ها در سال ۱۳۷۶ به دنبال انتقادات شدید منتظری از برخی نهادهای سیاسی و نظامی رخ داد که به درگیری‌های شدیدی میان طرفداران او و نیروهای طرفدار حکومت در قم و به‌ویژه نجف‌آباد اصفهان انجامید.

اعتراض‌های دانشجویی سال ۱۳۷۸: در شامگاه ۱۷ تیرماه سال ۱۳۷۸ در واکنش به بسته شدن روزنامه سلام جمعی از دانشجویان در محوطه کوی دانشگاه تهران دست به اعتراض و تحصن

زدند. در بامداد روز ۱۸ تیرماه با ورود افراد موسوم به لباس شخصی به داخل خوابگاه‌های دانشجویی در منطقه امیرآباد زدو خورد و درگیری‌های بسیار شدید و خونینی بین دانشجویان و این نیروها صورت گرفت که به مجروح شدن و دستگیری تعداد زیادی از دانشجویان انجامید، بسیاری از تأسیسات و لوازم خوابگاه همچون در و کتاب‌ها و میز و صندلی و غیره به شدت آسیب دید، در پس این اتفاق تا چند روز دانشجویان در محوطه کوی دانشگاه و حتی برخی از خیابان‌های اطراف کوی که متأثر از این واقعه شده بودند اعتراض و تحصن کردند که این امر به حضور تعداد زیادی از مقامات کشوری و انتظامی انجامید و تا ۲۳ تیرماه ادامه یافت؛ اما در ۲۳ تیرماه در پی سخنرانی رهبر انقلاب مبنی بر لزوم پایان یافتن اعتراض‌ها و با ورود نیروهای مردمی مدافع حکومت اعتراض پایان یافت (روزنامه خراسان، ۱۸ تا ۲۳ تیر ۱۳۷۸؛ روزنامه خرداد، ۱۸ تا ۲۰ تیر ۱۳۷۸؛ خبرگزاری ایسنا، ۲۴/۵/۱۳۷۸).

۴-۴. دوره چهارم: از اعتراض‌های دانشجویان، زنان و جوانان تا جنبش تجدیدنظرطلبی سیاسی

این دوره از اواخر دهه هفتاد تا اواخر دهه هشتاد ادامه دارد. مشخصه اعتراض‌های این دوره ورود فعال‌تر دانشجویان، زنان و جوانان به عرصه سیاست است. در این دوره اعتراض‌هایی رخ داد که می‌توان آن‌ها را از نوع سبک زندگی قلمداد کرد؛ به عبارت دیگر، گروه‌هایی چون جوانان، زنان و طرفداران محیط‌زیست به شکل‌ها و شیوه‌های آشکار و پنهان، جمعی و فردی نسبت به نادیده گرفته شدن علایق و ارزش‌هایشان و ایجاد محدودیت‌هایی حکومتی در مورد پوشش و معاشرت و تفریحات مردم واکنش نشان می‌دادند. این اعتراض‌ها، علاوه بر عرصه عمومی در فضاهای مجازی و شبکه‌های نوظهور رسانه‌ای نیز خود را نشان می‌داد

۴۷

اعتراض‌های جوانان: موارد متعددی از اعتراض‌های جوانان در طول دهه هشتاد در جریان مسابقات فوتبال رخ می‌داد. این اعتراض‌ها گرچه گاه در اثر اقدامات برخی هواداران متعصب تیم‌ها شروع می‌شد؛ اما معمولاً گسترش می‌یافت و باعث سر دادن شعارهایی علیه حکومت می‌شد. در این دوره، الگوهای دیگری از اعتراض نیز به‌ویژه از سوی نوجوانان و دانش‌آموزان در اوایل دهه ۱۳۹۰ بروز کرد؛ اعتراض‌هایی که عمدتاً واکنشی به سخت‌گیری‌ها در زمینه سبک زندگی آن‌ها بود.

اعتراض‌ها مربوط به تقسیمات کشوری: این نوع اعتراض‌ها از اواخر دهه شصت در اردبیل و قزوین خود را نشان داده بود. در دهه هشتاد؛ اما مهم‌ترین این اعتراض‌ها در شهریور ۱۳۸۰ در سبزوار رخ داد. در پی تقسیم استان خراسان به سه استان شمالی، جنوبی و رضوی، مردم سبزوار در اوایل شهریور ۱۳۸۰ در اعتراض به عدم تشکیل استان خراسان غربی به مرکزیت سبزوار ابتدا

به تظاهرات آرام در سطح شهر پرداختند؛ اما پس از آن جاده اصلی تهران به مشهد را مسدود کردند و به تخریب تأسیسات شهری دست زدند. نیروهای امنیتی و انتظامی وارد عمل شدند و به سرکوب و دستگیری معترضان پرداختند. شهر وضعیت امنیتی به خود گرفت و مجامع صنفی سبزواری که خواستار تعطیلی شهر شده بودند با انتشار اطلاعیه‌ای، عقب‌نشینی کردند و اعتراض‌ها پایان یافت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۰؛ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ شهریور ۱۳۸۰).

ناآرامی‌های دانشجویی: مهم‌ترین این ناآرامی‌ها در خرداد و تیر ۱۳۸۲ رخ داد. این ناآرامی‌ها از ۲۰ خرداد از سالن غذاخوری کوی دانشگاه تهران شروع شد و تا ۲۰ تیر ماه ادامه یافت که به گفته رئیس پلیس وقت تهران «یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های براندازی کشور بود ... کسانی اسلحه‌هایی به شکل خودکار داشتند و قصد کشته‌سازی داشتند». در مشهد هم در همین بازه زمانی اعتراض‌هایی روی داد. این اعتراض‌ها در تهران با دخالت یگان‌های ویژه ناجا و در مشهد عمدتاً با دخالت نیروهای لباس شخصی و بسیجی سرکوب شد (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ خرداد ۱۳۸۲).

ناآرامی‌های محلی: در ۲۶ فروردین سال ۱۳۸۴ نامه‌ای منتشر شد که ادعا می‌شد در آن، محمدعلی ابطحی رئیس دفتر رئیس جمهور (خاتمی) از رئیس سازمان برنامه‌و بودجه خواسته بود عرب‌های خوزستان را به بیرون استان کوچ دهند و سایر اقوام به‌ویژه آذری‌ها را در آنجا سکنی دهند. با وجود تکذیب این موضوع از سوی دولت و اعلام جعلی بودن نامه، ناآرامی‌های شدیدی، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای اهواز - از جمله محله معروف شلنگ آباد - رخ داد. این ناآرامی‌ها چهار روز ادامه یافت و با دخالت نیروهای انتظامی و امنیتی به‌شدت سرکوب شد (ایرنا، فروردین ۱۳۸۴).

اعتراض‌های زنان: در خرداد ۱۳۸۵ با دعوت تعدادی از فعالان حقوق زنان در واکنش به آنچه آن را نقض حقوق زنان در قوانین ایران می‌شمردند، تجمعی در میدان هفت تیر تهران و با حضور طیف وسیعی از زنان با اعتقادات و نظرات سیاسی و مذهبی مختلف، فعالان دانشجویی و سندیکایی برگزار شد. این تجمع از همان ابتدا با برخورد شدید پلیس و دستگیری ده‌ها نفر به خشونت کشیده شد و معترضان پراکنده شدند. البته شماری از معترضان در همان روز با حضور در دفتر شیرین عبادی (وکیل دادگستری و از فعالان حقوق زنان)، شکوایه‌ای علیه نیروی انتظامی تنظیم کردند که به برگزاری چند جلسه دادگاه انجامید؛ اما نتیجه‌ای که معترضان انتظار داشتند، حاصل نشد (رادپو فردا، ۵ تیر ۱۳۸۵؛ کانون زنان ایران، تیر ۱۳۸۵).

اعتراض‌های زیست محیطی: در طول دهه هشتاد با چند مورد اعتراض‌های زیست محیطی که عمدتاً مربوط به انتقال آب از سرشاخه‌های رودخانه‌های کارون به فلات مرکزی ایران بود مواجه هستیم که به صورت محلی و عمدتاً در استان‌های جنوب غربی همچون چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد به وقوع می‌پیوندد. برخورد آن‌چنان سرکوبگرانه‌ای با این اعتراض‌ها صورت نمی‌گیرد و شاهد اعتراض‌هایی نسبتاً مسالمت‌آمیز هستیم هرچند برخی از تجمعات در برابر فرمانداری‌ها و ادارات آب به درگیری‌های محدودی ختم می‌شود (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶).

اعتراض‌های انتخاباتی: اعتراض‌های انتخاباتی به‌ویژه در انتخابات مجلس یا شوراهای شهر و روستا که دسته‌بندی‌های محلی و طایفه‌ای پررنگ بود امری رایج بود؛ اما مهم‌ترین اعتراض‌های انتخاباتی در واکنش به نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری رخ داد که از ۲۲ تیر ۱۳۸۸ تا اوایل زمستان همان سال ادامه داشت. این اعتراض‌ها در تهران با دعوت کاندیداهای معترض (موسوی و کروبی) و با حضور صدها هزار نفر و به صورت آرام برگزار شد که صرفاً بر وقوع تقلب انتخاباتی و ضرورت بازشماری آرا متمرکز بود؛ اما کشته شدن تعدادی از معترضان، به تداوم تجمعات روزانه تنش‌آلود و عمدتاً خشونت‌آمیز، به‌ویژه در تهران، انجامید. این اعتراض‌ها در مناسبت‌های مختلف سیاسی و مذهبی، نظیر مراسم هفتم و چهلم کشته شدگان، روز قدس، روز ۱۳ آبان و عاشورا گستره و شدت بیشتری پیدا می‌کرد. در این اعتراض‌ها نیز، همانند برهه‌هایی از جنبش انقلابی سال ۱۳۵۷، معترضان شب‌ها بر پشت‌بام‌ها می‌رفتند و شعارهای اعتراضی سر می‌دادند در این اعتراض‌ها که علاوه بر خیابان‌ها و پشت‌بام‌ها در فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی جدیدی چون پیامک‌های تلفن‌های همراه، وبلاگ‌ها و سایت‌های اینترنتی دنبال می‌شد، به تدریج شعارها و مطالبات از موضوع انتخابات فراتر رفت و متوجه کل نظم سیاسی و ضرورت تغییرات اساسی شد. همچنین این اعتراض‌ها با بهره‌گیری از نمادها و شعارهای خاص، به‌عنوان یک جنبش تحول‌خواه (موسوم به جنبش سبز) و نه صرفاً یک اعتراض سیاسی، بازنمایی می‌شد. بیانیه‌های متعددی که در طول اعتراض‌ها از سوی رهبران آن، به‌ویژه موسوی، صادر می‌شد بیانگر یک چرخش نسبتاً تند سیاسی و ایدئولوژیک از سوی رهبران این اعتراض‌ها بود که خود زمانی از کارگزاران عالی‌رتبه نظام مستقر بودند (Dabashi, 2010).

این اعتراض‌ها از زمستان ۱۳۸۸ که حکومت علاوه بر ادامه سرکوب به فراخوان خیابانی حامیان خود دست زد فروکش کرد؛ اما یک سال، زمانی که اعتراض‌های وسیعی در بسیاری از

کشورهای خاورمیانه (موسوم به بهار عربی) اتفاق افتاد، دوباره فعال شد؛ اما با دستگیری و حصر خانگی سه تن از رهبران آن دوباره فروکش کرد (روزنامه خراسان؛ روزنامه اطلاعات، خرداد تا دی ۱۳۸۸).

۴-۵. دوره پنجم اعتراض‌های اجتماعی (رادیکال و فراگیر شدن اعتراض‌ها)

در این دوره که از آغاز دهه نود تا امروز را دربرمی‌گیرد، اعتراض‌ها نه تنها بیشتر و با ضرباهنگی سریع‌تر، بلکه با خشونت‌های شدیدتر بروز می‌یابد. در همین بازه، با گونه‌های متنوعی از اعتراض‌ها روبه‌رو هستیم که از سوی زنان، جوانان، دگراندیشان، کارگران، اصناف، محرومان و حاشیه‌نشینان شهری و نیز گروه‌های قومی، مذهبی و محلی شکل می‌گیرند. اعتراض‌ها در این دوره سمت‌وسوی شدید سیاسی می‌یابد و اساس نظام سیاسی را هدف قرار می‌دهد. اعتراض‌های فرودستان که نمود خود را در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ نشان می‌دهد به شدت ستیزه‌جو شده و خصلت سیاسی پیدا می‌کند. همچنین اعتراض‌های دانشجویی به شدت رادیکال و علیه کلیت نظام سیاسی است. در ادامه مهم‌ترین اعتراض‌های این دوره و مشخصه‌های آن‌ها به اختصار بیان می‌شود.

اعتراض‌های ۱۳۹۰ در خوزستان: این اعتراض‌ها که ملقب به یوم الغضب یا روز خشم است در سالروز ناآرامی‌های ۲۴ فروردین سال ۱۳۸۴ که در طی آن چند نفر کشته شده بودند رخ داد. این اعتراض‌ها نیز به سرعت موجب درگیری‌های خیابانی و خشونت می‌شود و چندین نفر کشته و ده‌ها نفر بازداشت شدند (ایرنا، ۲۴ فروردین ۱۳۹۰).

اعتراض‌های پاسارگاد: این اعتراض‌ها در ۷ آبان سال ۱۳۹۵ (روزی که از طرف ناسیونالیست ایرانی روز کوروش بزرگ نامیده شده) در محل آرامگاه او رخ داد. در این روز هزاران نفر از اقصی نقاط کشور خود را به منطقه پاسارگاد که مقبره کوروش در آن قرار دارد رساندند. نیروهای انتظامی و امنیتی جاده‌های منتهی به مقبره را بستند. با وجود این، هزاران نفر خود را به اطراف مقبره می‌رسانند و تجمع آنان با سردادن شعارهای سیاسی اعتراضی همراه می‌شود. نیروهای حکومتی به تجمع حمله می‌کنند و ده‌ها نفر را بازداشت می‌کنند (ایرنا، ۷ آبان ماه ۱۳۹۵). در سال‌های بعد نیز به‌رغم ممنوعیت این مراسم، تجمعات اعتراضی در این منطقه تکرار می‌شود.

اعتراض‌های درویش‌های نخله گنابادی: این اعتراض‌ها در اسفند ۱۳۹۶ و در واکنش به صدور دستور بازداشت رهبر فرقه نسبتاً پرجمعیت درویشان گنابادی شکل گرفت. در شامگاه نخستین روزهای اسفند، خبرهایی از تجمع و درگیری‌های شدید خیابانی در محله پاسداران

تهران مخابره شد. این درگیری‌ها، با دخالت نیروهای انتظامی، سپاه و بسیج، به خشونت کشیده شد. اوج این تنش زمانی رقم خورد که فردی با اتوبوسی - که گفته می‌شد حامل درویشانی از دیگر شهرها برای پیوستن به اعتراض بود- به صفوف نیروهای حکومتی حمله کرد و در پی آن، تعدادی از مأموران کشته یا مجروح شدند. پس از این رویداد، شدت سرکوب افزایش یافت و طی چند روز، شماری از معترضان کشته و صدها نفر بازداشت شدند؛ برخی از آنان ماه‌ها و حتی سال‌ها را در زندان گذراندند. همچنین فردی که گفته می‌شود راننده اتوبوس بوده، محاکمه و اعدام شد. دولت آمریکا این رویداد را بزرگ‌ترین سرکوب اقلیت‌های مذهبی در نظام جمهوری اسلامی ایران توصیف کرد. در مقابل، وزارت کشور ایران این اعتراض‌ها را توطئه‌ای از سوی عوامل خارجی برای ایجاد و گسترش ناآرامی‌های سیاسی در کشور دانست (روزنامه اطلاعات، اسفند ۱۳۹۶).

اعتراض‌های زیست محیطی: کشاورزان استان اصفهان مخصوصاً کشاورزان شرق استان (شهرستان ورزنه) در سال‌های اخیر همواره اعتراض‌هایی نسبت به حق آب و شیوه توزیع منابع آبی در مرکز ایران داشته‌اند. این اعتراض‌ها در زمستان سال ۱۳۹۶ شکل جدی‌تری به خود گرفت و به شکل‌های مختلفی همچون نافرمانی مدنی و تظاهرات مسالمت‌آمیز خود را نشان داد (ایرنا، اسفند ۱۳۹۶). همچنین تجمعات مسالمت‌آمیز زیست محیطی سال ۱۳۹۲ در اراک که به مدت ۱۸ هفته متوالی از خرداد ۱۳۹۲ تا آبان همان سال در عصر روزهای شنبه در میدان مرکزی شهر (باغ ملی) برگزار می‌شد... علت این تجمعات اعتراض به بی‌توجهی مسئولین نسبت به آلودگی هوای اراک بود. معترضان اعلام کرده بودند که تا رفع مشکل آلودگی هوای اراک و پاسخگویی مسئولان شنبه هر هفته تجمع اعتراضی آرام خود را برگزار خواهند کرد. برخورد نیروهای حکومتی با این اعتراض‌ها نسبتاً غیر خشونت‌آمیز بود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۶).

اعتراض به برخی برنامه‌های تلویزیون دولتی: گروه‌های قومی و مذهبی در این دوره نیز، همچون دوره‌های پیشین، نسبت به برنامه‌هایی که آن‌ها را توهین‌آمیز تلقی می‌کردند، واکنش اعتراضی نشان دادند. مهم‌ترین این اعتراض‌ها در دهه نود به نمایش «هتل فیتیله‌ای» از شبکه دو سیما مربوط می‌شود؛ نمایشی که برخی از دیالوگ‌های آن میان شخصیت‌ها، موجب اعتراض جمعی از شهروندان ترک‌زبان ایران شد. این اعتراض‌ها در نهایت به توقف پخش برنامه، توییح و برکناری برخی از عوامل تولید و نیز عذرخواهی رسمی مسئولان صداوسیما انجامید. در واقع این رویداد از معدود نمونه‌های اعتراضی بود که از سوی نهادهای مسئول به‌طور جدی پیگیری شد (خبرگزاری مهر، ۲۴ آبان ۱۳۹۴).

ابوالفضل دلاوری و محمدابراهیم اسراری: گونه‌شناسی و دگرگونی الگوهای اعتراض‌های جمعی...

اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶: در این ماه، کشور شاهد شورش‌های پراکنده و درعین‌حال گسترده‌ای بود که عمدتاً از سوی جوانان و در اعتراض به شرایط معیشتی و اجتماعی شکل گرفت. نقطه آغاز این اعتراض‌ها، تجمعی در میدان شهدای مشهد بود که در واکنش به ورشکستگی برخی از مؤسسات مالی برگزار شد. مردمی که از این ورشکستگی‌ها متضرر شده بودند، ابتدا به صورت آرام تجمع کردند؛ اما به تدریج شعارهایی علیه حکومت سر دادند. برخی منابع، سازمان‌دهی اولیه این اعتراض‌ها را به رقبای سیاسی دولت وقت (حسن روحانی) نسبت دادند؛ اما این تحرکات به سرعت گسترش یافت و موجی از اعتراض‌ها را در سراسر کشور- در حدود یک‌صد شهر- برانگیخت. این اعتراض‌ها که در مواردی با خشونت‌هایی همراه بود، با سرکوب شدید نیروهای امنیتی مواجه شد و در پی آن، ده‌ها نفر کشته و صدها نفر بازداشت شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۰ دی ۱۳۹۶؛ روزنامه خراسان، ۱۲ و ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۶).

اعتراض‌های آبان ۱۳۹۸: پس از افزایش نرخ بنزین در اواخر آبان ۱۳۹۸ اعتراض‌هایی گسترده و البته پراکنده به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ به وقوع پیوست، در جریان این اعتراض‌ها صدها بانک، مؤسسه مالی و ادارات دولتی منهدم و سوزانده شدند و صدها وسیله نقلیه و سطل زباله و عابر بانک تخریب شد. واکنش به این اعتراض‌ها بسیار شدید و گسترده بود و به کشته شدن شمار زیادی از معترضان- بر اساس برخی گزارش‌ها تا ۱۵۰۰ نفر- و بازداشت صدها نفر انجامید (روزنامه اطلاعات، ۲۶ آبان ۱۳۹۸).

اعتراض‌های شهریور تا آبان ۱۴۰۱: در واکنش به مرگ مشکوک مهسا امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد نیروی انتظامی در تهران، سلسله اعتراض‌های متعددی در تهران و بسیاری شهرهای دیگر و عمدتاً از سوی زنان و دانشجویان به وقوع پیوست و شعار زن، زندگی، آزادی به‌عنوان کانون اعتراض‌ها جلوه کرد. در این اعتراض‌ها ده‌ها دانشگاه کانون اعتراض قرار گرفتند و تحصن‌های فراوانی به وقوع پیوست. هزاران نفر در مناطق بالای شهر به اعتراض خیابانی پرداختند و درگیری‌های شدیدی بروز کرد و حجم زیادی از تخریب و آتش‌سوزی البته نه به‌شدت آبان ۱۳۹۸ به وجود آمد. این اعتراض‌ها نزدیک به سه ماه ادامه یافت و با حمایت گسترده بسیاری از سلبریتی‌ها و چهره‌های شاخص اجتماعی همراه بود. برای نخستین بار، توجه و همراهی چشم‌گیری با اپوزیسیون خارج از کشور شکل گرفت؛ به گونه‌ای که ایرانیان مهاجر در شماری از کشورهای جهان، تظاهراتی متعدد و گاه گسترده برگزار کردند (روزنامه اطلاعات، ۲ و ۹ مهر ۱۴۰۱) یافته‌های مربوط به دوره‌های پنجگانه اعتراضی در ایران پس از انقلاب را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

دوره پنجم	دوره چهارم	دوره سوم	دوره دوم	دوره اول	دوره اعتراضی	
-	-	-	قوانین تصویب شده در مجلس شورای اسلامی	وقوع انقلاب اسلامی	رویدادهای برانگیزنده	زمینه‌ها و انگیزه‌های اعتراض
معیشتی و فرهنگی سیاسی	سیاسی و فرهنگی	معیشتی	صنفي	ایدئولوژیک	موضوع اعتراض	
عینی و خاص	عینی و خاص	عینی و خاص	عینی و خاص	استعلایی و عام	اهداف و مطالبات معترضان	
ترکیبی	ترکیبی	طبقاتی	کارگران	ترکیبی	ترکیب اجتماعی معترضان	جلوه‌های عینی اعتراض
سرتاسری	ناحیه‌ای	محلی	محلی	ناحیه‌ای	گستره اعتراض	
کم‌دوام	کم‌دوام	زودگذر	کم‌دوام	کم‌دوام	دوره زمانی اعتراض	
مدنی و سیاسی	سیاسی و مدنی	محلی	محلی	ایدئولوژیک	نوع همبستگی معترضان	
بی‌سازمان	بی‌سازمان	بی‌سازمان	متمرکز	سازمان‌یافته	سازمان اعتراض	
فاقد رهبری	فاقد رهبری	فاقد رهبری	چند رهبری	چند رهبری	رهبری اعتراض	
شبکه‌های روابط شخصی و ارتباطات مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای	شبکه‌های روابط شخصی و ارتباط مجازی و روابط تشکیلاتی	شبکه‌های روابط شخصی	روابط تشکیلاتی	روابط تشکیلاتی	ابزارهای بسیج و اطلاع‌رسانی معترضان	
شورش و مطالبه‌گرایانه	شورش و مطالبه‌گرایانه	شورش	مقاومتی	شورش و مقاومتی	نوع بازنمایی اعتراض	

دوره اعتراضی		دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم
فیزیولوژی اعتراض	قالب‌های بروز و ظهور اعتراض	اشغال و ایجاد قلمرو مستقل	اعتصاب	اشغال یا تخریب مراکز و تأسیسات	تجمعات پراکنده و میتینگ و راهپیمایی متمرکز	تجمع پراکنده و اشغال و تخریب مراکز و تأسیسات
	شیوه اعتراض	خشونت‌آمیز	مسالمت‌آمیز	خشونت‌آمیز	خارج از چهارچوب قوانین	خشونت‌آمیز
واکنش‌ها به اعتراض‌ها	برخورد حکومت با اعتراض	سرکوب شدید	ممانعت مسالمت‌آمیز	سرکوب شدید	سرکوب نسبی	سرکوب نسبی
	برخورد دیگر گروه‌های اجتماعی با معترضان	ابراز نارضایتی و تماشاگری	بی‌توجهی	تماشاگری	بی‌توجهی و تماشاگری	ترکیبی
	مواجهه نیروهای برون‌مرزی	حمایت برون‌مرزی	-	-	حمایت سازمان‌ها و گروه‌های بین‌المللی	حمایت گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های اروپایی و آمریکا
فرجام اعتراض‌ها	چگونگی پایان اعتراض	شکست‌خورده	تا حدودی موفق	کاملاً شکست‌خورده	تا حدودی شکست‌خورده	شکست‌خورده
	تأثیرات اعتراض	مستقیم	مستقیم	غیر مستقیم	غیر مستقیم	غیر مستقیم
	برداشت و احساس معترضان	احساس شکست	احساس موفقیت	احساس شکست و سرخوردگی	احساس شکست و سرخوردگی	احساس شکست

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اعتراض‌های جمعی در دوره ۴۵ ساله پس از انقلاب، ویژگی‌ها و تحولات زیر را به خود دیده است:

۱. مجموعه‌ای از محرک‌های عقیدتی-ایدئولوژیک، تنگناهای، معیشتی، تبعیض‌ها و محدودیت‌های هویتی، سیاسی و اجتماعی، رقابت‌های سیاسی و رویدادها غیرمترقبه (اعم از طبیعی و سیاسی) در برانگیختن اعتراض‌ها نقش داشته‌اند؛ اما این زمینه‌ها و محرک‌ها به تدریج از وزن حوزه‌های عقیدتی و ایدئولوژیک و رقابت‌های جناحی (درون حکومتی) کاسته شده و بر وزن حوزه‌های معیشتی، هویتی و سیاسی (برون حکومتی) افزوده شده است.

۲. مجموعه از گروه‌ها و اقشار اجتماعی شامل روشنفکران، دانشجویان، زنان، جوانان، طبقات متوسط شهری، گروه‌های قومی و مذهبی، کارگران و تهیدستان شهری در اعتراض‌ها شرکت داشته‌اند. در سال‌های اولیه پس از انقلاب خاستگاه و پایگاه اعتراض‌های جمعی، تقریباً همه این گروه‌های اجتماعی بودند؛ اما در سه دهه شصت تا هشتاد کمتر شاهد هم‌زمانی حضور همه این گروه‌ها در اعتراض‌ها بودیم، چنانچه مثلاً در اوایل دهه هشتاد تهیدستان شهری و در اواسط دهه هشتاد تا اواسط نود عمدتاً اقشار متوسط شهری در اعتراض‌ها دست بالا را داشتند؛ اما از نیمه دهه نود به این سو دوباره به تدریج شاهد حضور هم‌زمان تقریباً همه این گروه‌ها در رویدادهای اعتراضی هستیم. به‌ویژه در اعتراض‌های ۱۴۰۱ علاوه بر حضور طیف وسیعی از گروه‌های اجتماعی، به نقش پیشگامانه و وسیع‌تر زنان جوان و همچنین پیدا شدن سروکله دانش‌آموزان در این اعتراض‌ها توجه کرد.

۳. موضوع اعتراض‌ها نیز در طول این دوره تحول معناداری یافته است. درحالی که در سال‌های اولیه پس از انقلاب، اعتراض‌ها بیشتر بر سر موضوعات و مسائل ایدئولوژیک و سیاسی بود، در اوایل دهه هفتاد بر روی موضوعات و مسائل معیشتی متمرکز شد و از نیمه‌های دهه هفتاد تا پایان دهه هشتاد بر رقابت‌های جناحی و اختلاف‌نظرهای نیروهای درون حاکمیت بر سر رویکردها و سیاست‌های خرد و کلان بود؛ اما از نیمه دهه نود علاوه بر پررنگ‌تر شدن موضوعات و مسائل معیشتی شاهد موضوع تغییرات رادیکال سیاسی نیز به محور اعتراض‌ها تبدیل شد.

۴. دامنه جغرافیایی و تداوم زمانی اعتراض‌ها دستخوش تحولاتی آشکار شده است. در اعتراض‌های سال‌های نخست پس از انقلاب، شاهد نوعی تنوع و پراکندگی جغرافیایی در اعتراض‌ها بودیم. برای مثال، در شهرهای بزرگ مرکزی بیشتر اعتراض‌ها از نوع سیاسی و

ایدئولوژیک و نسبتاً با دوام بود؛ اما در مناطق حاشیه‌ای همین شهرها، اعتراض‌های معیشتی کم‌دوام در جریان بود؛ ولی در استان‌های پیرامونی اعتراض‌ها کم‌وبیش با دوام هویتی (قومیتی و مذهبی) خودنمایی می‌کرد. در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۳ اعتراض‌های متنوع معیشتی و سیاسی بسیار پراکنده و کم‌دوام بود؛ اما اعتراض‌های سیاسی سال ۱۳۸۰ حدود هفت ماه به‌ویژه در خیابان‌های تهران دوام آورد و پس از آن نیز تا یک سال بعد در محیط‌های محدود، نظیر دانشگاه‌ها و فضاهای مجازی دوام آورد. اعتراض‌های نیمه دوم ۱۳۹۰ بسیار گسترده و تقریباً سرتاسری؛ اما کم‌دوام (هر کدام فقط چند روز) بود. اعتراض‌های ۱۴۰۱؛ اما هم گستره و هم دوامی به مراتب بیش از همه اعتراض‌های پس از انقلاب داشت.

۵. سازمان‌دهی و رهبری اعتراض‌های سیاسی و سرتاسری، به نسبت دیگر شاخصه‌ها، روند خطی بیشتری را نشان می‌دهد. اعتراض‌های سیاسی سال‌های اولیه پس از انقلاب بسیار سازمان‌یافته و تحت رهبری تشکل‌های سیاسی بودند. شبکه‌های ارتباطی از نوع حقیقی (فیزیکی) و ابزارهای اطلاع‌رسانی از نوع مکتوب (نشریات و اعلامیه) بود؛ اما در اعتراض‌های سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ نقش تشکل‌ها و رهبران سیاسی به تدریج کم‌رنگ‌تر شد و در کنار ابزارهای مکتوب، به تدریج وسایل ارتباط‌جمعی جدید نظیر موبایل و اینترنت نقش پیدا کردند. نقش پیامک‌های موبایلی و سایت‌های اینترنتی و وبلاگ‌ها در اعتراض‌های ۱۳۸۸ بسیار مهم بود. اعتراض‌های سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ تقریباً فاقد تشکیلات و رهبری بودند؛ اما جای خالی آن‌ها را انواع وسایل ارتباطی جدید، به‌ویژه گوشی‌های هوشمند، شبکه‌های اجتماعی مجازی و فرستنده‌های تلویزیونی خارجی (ماهواره‌ای) گرفت.

۶. میزان شدت و خشونت در اعتراض‌ها، طی دوره مورد بررسی روندی سینوسی داشته و از بسیار خشونت‌آمیز در سال‌های اولیه انقلاب و اوایل دهه هفتاد، به سوی نسبتاً مسالمت‌آمیز در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ تغییر کرده هر چند برخورد نیروهای حکومتی در این دوره هم کم‌وبیش خشونت‌آمیز بوده است. اعتراض‌های نیمه دوم دهه نود خشونت در هر دو سویه اعتراض وجود داشت هر چند میزان خشونت از سوی نیروهای حکومتی بسیار شدید تر بود. در اعتراض‌های ۱۴۰۱ معترضان معمولاً تمایلی به خشونت مگر در موارد خاص نداشتند؛ اما نیروهای حکومتی علاوه بر بازداشت‌های وسیع از شیوه‌ها و ابزارهای متنوعی برای پراکنده کردن و سرکوب معترضان استفاده می‌کردند.

۷. در زمینه آثار و پیامدهای اعتراض‌ها نیز شاهد تحولات معناداری هستیم. اعتراض‌های سال‌های نخست پس از انقلاب، از یک سو به تقویت نهادها و نیروهای نظامی و امنیتی

حکومت انجامید و از سوی دیگر، منجر به تصفیۀ گسترده نیروهای سیاسی - اعم از چپ و راست، مذهبی و غیرمذهبی - شد. هرچند اعتراض‌های اوایل دهه هفتاد به‌طور مستقیم به تحقق مطالبات معیشتی معترضان نینجامید؛ اما به‌شکل غیرمستقیم موجب تضعیف برنامه‌های آزادسازی اقتصادی و بازگشت به برخی سیاست‌های حمایتی گردید. اعتراض‌های سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ به حاشیه‌ای شدن نیروهای موسوم به اصلاح طلب از یک سو و چرخش بیشتر نظام حکمرانی به سوی روش‌های انتظامی - امنیتی و بازتر گذاشتن دست نیروهای سیاسی و عقیدتی محافظه‌کار شد. این روند در جریان اعتراض‌های نیمه دوم دهه نود نیز ادامه یافت. اعتراض‌های ۱۴۰۱؛ اما نظام سیاسی و نیروهای امنیتی را به عمق تعارضات و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی توجه داد و به نظر می‌رسد باعث تردید در روش‌ها و الگوهای حکمرانی دست کم در سطوح داخلی شد. شاید بتوان بخشی از بازتر شدن فضای سیاسی به‌ویژه در جریان و بعد از انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ را به تجربه آن اعتراض‌ها نسبت داد.

روند کلی تحولات در الگوی اعتراض‌های جمعی در دوره مورد بررسی این مقاله، بیانگر آن است که این اعتراض‌ها از اواخر دهه هشتاد به این سو ضرباهنگ تندتری پیدا کرده (فاصله زمانی میان آن‌ها کمتر و کمتر شده) و گستره وسیع‌تر و تداوم بیشتری یافته است. همچنین این اعتراض‌ها صرف‌نظر از محرک‌ها و موضوعات اولیه آن، به سرعت سیاسی و رادیکال شده و کلیت نظام سیاسی را به آماج حملات خود تبدیل کرده است. معترضان در این اعتراض‌ها کمتر به یک ایدئولوژی مشخص متعهد هستند و تمایل چندانی هم به تشکیلات سازی و رهبر سازی ندارند. از سوی دیگر، سرکوب شدید این اعتراض‌ها هرچند مانع تکرار و تداوم آن‌ها نشده است؛ اما از به هم پیوستن و حجیم شدن اعتراض‌ها جلوگیری کرده است. این ویژگی‌ها روی هم رفته از یک سو مانع تراکم قدرت و توانایی تأثیر و تغییرات مستقیم از سوی این اعتراض‌ها شده؛ اما از سوی دیگر نظام مستقر را تحت فشار شدیدی قرار داده و در هر موج خود بخش قابل ملاحظه‌ای از مشروعیت و پایگاه اجتماعی آن را مستهلک کرده است.

سخن آخر اینکه با توجه به ادامه بحران‌ها و نارسایی‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و انباشت نارضایتی‌ها از یک سو و ادامه محدودیت‌ها و تحریم‌ها و فشارهای خارجی از سوی دیگر، انرژی پتانسیل اعتراض‌های جمعی همچنان در حال افزایش و انباشت است و چنانچه نظام حکمرانی به تغییرات سریع و عمیق در رویکردها و سیاست‌های داخلی و خارجی دست نزند احتمال خیزش موج‌های بزرگتر و شدیدتر اعتراض‌های جمعی سیاسی وجود دارد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۰). مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران. ترجمه سهیلا حسینی فارسانی، چاپ اکسیر.
- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۹). انقلاب و فرهنگ سیاسی ایران. تهران: نشر سوره مهر.
- اسملسر، نیل (۱۳۸۰). تنوری رفتار جمعی. ترجمه رضا دژاکام با مقدمه دکتر عماد افروغ، تهران: مؤسسه یافته‌های نوین: دواوین.
- ایرنا، (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران) (آرشیو).
- بیات، آصف (۱۳۹۹). سیاست‌های خیابانی. ترجمه سید اسدالله نبوی چاشمی، تهران: نشر شیرازه.
- جانسون، چالمرز (۱۳۶۳). تحول انقلابی: بررسی نظریه پدیده انقلابات. ترجمه حمید الیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی ایران؛ جامعه کج مدرن. تهران: نشر علم.
- جعفری کافی‌آباد، صابر (۱۳۹۲). گونه‌شناسی فرهنگی سیاسی نخبگان دوران مشروطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- خبرگزاری ایسنا (آرشیو).
- خبرگزاری رویترز (آرشیو)
- خبرگزاری مهر (آرشیو).
- رادیو فردا (۱۳۸۵/۴/۳) مصاحبه شیرین عبادی.
- روزنامه اطلاعات (آرشیو).
- روزنامه خراسان (آرشیو).
- روزنامه خرداد (آرشیو).

- طباطبایی، سید محمد، سلیمی، حسین و موحدیان، احسان (۱۳۹۵). تأثیر سایر دیپلماسی آمریکا بر دیدگاه کاربران ایرانی فضای مجازی (مورد مطالعه: سایت صدای آمریکا). *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۲ (۶)، ۱۶۳-۱۲۳. <https://doi.org/10.22054/cs.2016.7165>
- علیخانی، جواد (۱۳۹۱). بررسی نقش رسانه‌های ماهواره‌ای صدای آمریکا و بی‌بی‌سی فارسی بر افکار عمومی مردم ایران در فاصله زمانی آذر ۸۷ تا اسفند ۸۸. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز*.
- قبادزاده، ناصر (۱۳۸۱). *روایتی آسیب‌شناختی از گسست نظام و مردم در دهه دوم انقلاب*. تهران: فرهنگ گفتمان.
- کانون زنان ایران (تیر ۱۳۸۵) مصاحبه با ژیلانا بنی‌یعقوب.
- کوهن، جین، تیلی، چارلز، تورن، آلن، ملوچی، آلبرتو، اوفه، کلاوس و ادر، کلاوس (۱۳۸۶). *فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید*. ترجمه علی حاجلی، تهران: نشر جامعه فرهنگ.
- گر، تد رابرت (۱۳۷۷). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟*. ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گودرزی، محسن (۱۳۹۸). *شهروند عاصی و احتمالات آینده*. ماهنامه اندیشه پویا، ۶۳، ۵۰-۴۷. <https://3danet.ir>
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۴). *مدیریت بحران در جمهوری اسلامی ایران*. قم: دفتر نشر معارف.
- مجتهدی نجفی، محمود (۱۳۹۴). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مسائل سیاسی و اجتماعی کشور از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی*.
- مدنی قهفرخی، سعید (۲۰۲۲). *جنبش‌های اجتماعی و امید*. سوئد: نشر باران، چاپ اول.
- مراسم (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران)، شماره پرونده ۴۵۵۹.
- مراسم (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران)، شماره پرونده ۴۵۸۸.
- مرتضوی امامی زواره، علی (۱۳۹۳). *تحلیل تطبیقی فتنه و جنگ نرم* با مطالعه موردی فتنه ۸۸ ایران و انقلاب نارنجی اوکراین. *رساله دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان*.
- مرشدی‌زاد، علی، کشاورز شکری، عباس و رهنمای باغسرخ، مهدیه (۱۳۹۴). *مطالعه مقایسه ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب اسلامی ایران و روسیه*. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۵ (۱۷)، ۷۳-۵۱. https://journals.basu.ac.ir/article_1340.html
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). *درآمد نظری بر جنبش‌های اجتماعی*. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

-
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۴۰۰). روزنوشت خاطرات هاشمی رفسنجانی، بخش سال‌های ۸۰. تهران: نشر معارف.
- Dabashi, H. (2010). *Iran, the Green Movement and the USA: The Fox and the Paradox*. New York & London, Zed publication.
- Johnson C. (1964). *Revolution and social system*. Stanford: Stanford University press.
- Gurr, T.R. (1994). people, against states: Ethno political conflict and the changing world system. *Inernational studies Quarterly*, 3(38), 347377-.
<https://www.jstor.org/stable/2600737>
- Lofland, J. (1985). *protest: Studies of Collective Behaviao and Social Movements*. New York: Transaction Book.
- Smelser, N. (1962). *Theory of Collective Behaviour*. Routledge Publishing, London.
- Tilly, C. (1978). *From Mobilization to Revolution*. Addison Weseley.